

بسم الله الرحمن الرحيم

ابعاد رشد اخلاقی در طلاب از منظر قرآن

زینب بامری داد^۱

چکیده

این نوشتار بر آن است که ابعاد رشد اخلاقی در طلاب از منظر قرآن را بررسی نماید زیرا باوجود پیچیدگی جوامع انسانی در عصر حاضر و سرعت پیشرفت‌های علمی در حوزه اخلاق نه تنها پیشرفتی در اخلاق وجود نداشته ؛ بلکه سیر نزولی ارزش‌های اخلاقی در جامعه موجود است. از آنجا که خدا در قرآن به همه نیازهای انسان توجه کرده، برای چاره‌جویی این نیازها به کتاب الهی پناه برده و به چندین آموزه‌ی ارزشمند اخلاقی اشاره کرده و ضرورت وجود آن‌ها را در مومنان بیان کرده و با روش توصیفی- تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای به این مطلب پرداخته که ابعاد رشد اخلاقی در طلاب از منظر قرآن چیست؟ با این هدف که بخشی از آموزه‌های اخلاقی در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد؛ زیرا نیاز انسان‌ها به اخلاق در هر دوره‌ای وجود داشته اما امروزه بیشتر از هر زمان دیگری است، زیرا وقتی اسباب گمراهی بیشتر باشند اسباب هدایت نیز باید فراگیرتر باشند و می‌توان فهمید که طلاب نسبت به سایر افراد از ابعاد اخلاقی بهتری برخوردارند؛ تا با شناخت رفتار صحیح از سویی وجدان اخلاقی را آسوده کند و از طرفی مورد تایید جامعه باشد. بنابراین ابعاد رشد اخلاقی در طلاب از منظر قرآن را می‌توان چنین برشمرد: عدم تکبر، اعراض از لغو، حفظ حیا و عفت، صبر، اخلاص، شکر، گزاری، توبه، انفاق، دعا، انتخاب همسر.

کلیدواژه‌ها: ابعاد رشد، رشد اخلاقی، طلاب، قرآن.

۱. طلبه سطح ۲ حوزه حضرت رقیه (سلام الله علیها) شهرستان دلگان.

مقدمه

قرآن کتاب هدایت در همه ابعاد است که انسان در آنها نیازمند نور الهی است و در عصر حاضر نیاز به هدایت الهی و در اخلاق امری بدیهی می باشد. طلاب به عنوان یکی از افراد بااخلاق اند که در قرآن به چندین آموزه های ارزشمند اخلاقی آنها اشاره دارد و وجود آنها را در مومنان ضروری می داند. حالا می خواهیم ببینیم که ابعاد رشد اخلاقی در طلاب از منظر قرآن چیست؟ با بررسی آیات و روایات هدف از آموزه های اخلاقی در قرآن آن است که اگر انسان بخواهد به هدف تعالی برسد باید در پی تهذیب نفس باشد، این امر جز با شناخت اخلاق نیک و بد و عمل و ترک آن ها میسر نمی باشد؛ زیرا که هر فرد موضوع مهمی در اخلاق بوده و یکی از بخشهای مباحث اخلاقی را تشکیل می دهد از این رو اخلاق نقش مهمی در سعادت و رستگاری دارد. طلبه البته رفتار اجتماعی نیز دارد و نفس هر کس میتواند به واسطه رفتار فردی اش تزکیه و یا آلوده شود و تزکیه شدن هر فرد نقش مهمی در ساخت جهان اخلاقی دارد. اگر خداوند به دنبال نهایتی خوب برای انسان در دنیا و آخرت است، جهان اخلاقی خود شاخصه ای از اخلاق قرآنی خواهد بود، و ضروری است که با ارائه ابعاد رشد اخلاقی در طلاب از منظر قرآن و تفسیر آن ها و ذکر روایات ائمه معصومین (علیه السلام)، علاقه مندان و انسان های دارای عقل سلیم و خدا جوی را در شناخت مسیر صحیح زندگی یاری دهیم. تحقیق حاضر به بررسی موضوع در دو قسمت ایجابی مانند: اخلاص، شجاعت، صبر و سلبی مانند: ناامیدی، غفلت و به روش کتابخانه ای به این موضوع می پردازد. آموزه های اخلاقی در زمان اولیه ی قرآن مطرح شده است و مفسران در رابطه با آن و در ذیل آیات آن به آموزه های اخلاقی پرداخته اند. علاوه بر آن بیشتر کتاب هایی که در رابطه با مباحث اخلاقی اند از جمله کتاب تفسیر المیزان از علامه محمدحسین طباطبایی که به طور مستقل به تفسیر سوره ها و نیز مطالب اخلاقی پرداخته اند، کتاب معراج السعادت مرحوم نراقی و کتاب کافی از محمد بن یعقوب کلینی به احادیث معصومین (علیه السلام) در رابطه با اخلاق پرداخته و کتاب مکارم الاخلاق نوشته حسن بن فضل طبرسی به طور عموم به بحثهای اخلاقی پرداخته اند، لکن مقاله ای وجود ندارد که بطور مجزا و مستقل تنها ابعاد رشد اخلاقی در طلاب از منظر قرآن را محور قرار دهد و بنده به یاری خداوند به این موضوع خواهیم پرداخت. ان شاء الله

۱- مفهوم شناسی

هر نوشته باید به گونه‌ای باشد که خواننده نسبت به آن به طور کامل آگاهی داشته باشد و هیچ گونه ابهامی در آن نباشد؛ بنابراین ابتدا به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی مفاهیم موجود در مقاله پرداخته می‌شود.

۱-۱- اخلاق

اخلاق در لغت یعنی: اخلاق جمع «خلق» به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن است و به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود.^۱ در مقابل خلق که به صورت ظاهری انسان گفته می‌شود، که با چشم قابل رویت است.^۲ اخلاق در اصطلاح، حالات ثابته و صفات راسخه‌ی نفسانی است که شخصی را بدون نیاز به اندیشه و تفکر و بدون رنج و تعب وادار به انجام افعال می‌نماید، بر این اساس غرایز و ملکات و صفات روحی و باطنی که در انسان است، اخلاق نامیده می‌شود و اعمال و رفتاری که از این خلقیات ناشی گردد، نیز اخلاق و رفتار اخلاقی می‌گویند.^۳

۱-۲- ابعاد «ایجابی» رشد اخلاقی طلاب از منظر قرآن

۲-۱- حیا

حیا یکی از ویژگی‌های اخلاقی شاخص در بانوان طلاب و حتی روحانیون هست. زمانی که حضرت موسی (علیه السلام) از چنگال فرعون رها یافته و از راه دور خسته و گرسنه به کنار چاه مدین رسیده بود، دختران شعیب را دید که با دلو آب، گوسفندان آنها را سیراب کرد^۴، به دنبال آن قرآن

^۱. همان، ص ۱۶۵.

^۲. الزبیدی، تاج العروس من الجواهر القاموس، ج ۲۵، ص ۲۷۵.

^۳. شیخانی، سریر سخن، ص ۱۶۱.

^۴. شریعتمداری، شرح و تفسیر لغات بر اساس تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۴.

می‌فرماید: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ؛ ناگهان یکی از آن دو زن، به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام بر می‌داشت گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند.»

او به گونه‌ای آراسته‌ی به حیا بود که دوست نداشت جلو چشم مردی بیگانه راه برود و بدون احساس ضرورت با او سخن گوید.^۱ یکی از آن دو دختر با نهایت حیا گام بر می‌داشت، و پیدا بود از سخن گفتن با یک جوان بیگانه شرم دارد به سراغ او آمد، و تنها این جمله را گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند، تا پاداش و مزد آبی که از چاه برای گوسفندان ما کشیدی به تو بدهد.^۲ موسی (علیه السلام) حرکت کرد و به سوی خانه‌ی شعیب (علیه السلام) آمد، طبق بعضی از روایات، دختر برای راهنمایی، از پیش‌رو حرکت کرد و حضرت موسی (علیه السلام) از پشت سرش، باد بر لباس دختر می‌ورزید و ممکن بود لباس را از اندام او کنار زند، حیا و عفت حضرت موسی (علیه السلام) اجازه نمی‌داد. چنین شود، به دختر گفت: «من از جلو می‌روم بر سر دو راهی‌ها و چند راهی‌ها مرا راهنمایی کن.»^۳

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم) می‌فرماید: «الْإِسْلَامُ عُرْيَانٌ فَلِبَاسُهُ الْحَيَاءُ؛ دین اسلام عریان است و لباسش حیا است.» امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند: «مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبَةً خَفِيَ عَنِ النَّاسِ عَيْبُهُ؛ کسی که لباس حیا و پاکدامنی به خود بپوشاند، عیوبش از مردم پوشیده خواهد ماند.» در روایت دیگری از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است که می‌فرمایند: «كَثْرَةُ حَيَاءِ الرَّجُلِ دَلِيلُ إِيْمَانِهِ؛ حیا زیاد شخص، دلالت بر ایمان او دارد.» نیز می‌فرمایند: «مَنْ قَلَّ حَيَاءُهُ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ وَ مَنْ مَاتَ قَلْبُهُ فَقَدْ دَخَلَ النَّارَ؛ کسی که شرم و حیا او کم شود، ورع و پارسایی او کم می‌شود قلب او

^۱. الطبرسی، همان، ج ۱۰، ص ۵۲۳.

^۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، همان، ص ۷۰.

^۳. ابوالفتح رازی، تفسیر روح الجنان و روح اجنان، ج ۴، ص ۱۹۶.

^۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸۴.

^۵. تیمی آمدی، تصنیف غررالحکم، ص ۲۵۷، حدیث ۵۴۵۸.

^۶. همان، ص ۲۵۷، حدیث ۴۴۴۶.

^۷. حرانی، تحف العقول، ج ۱، ص ۱۰۰.

می‌میرد و کسی که قلبش بمیرد، داخل آتش جهنم می‌گردد.» امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «الْحَيَاءُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تَسَعُهُ فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدٌ فِي الرِّجَالِ؛^۱ حیا ده جزء دارد، نه جزء آن در زنان است و یک جزء در مردان.»

حیا یک حالت روانی خاصی است که موجب متانت و وقار در رفتار و حرکات و سکنات انسان می‌شود و یکی از انواع دوازده‌گانه جنس عفت به شمار می‌آید، چون انسان بنگرد که انجام دادن کردارهای زشت و پرداختن به کارهای ناروا موجب نکوهش او می‌گردد به ترک آن کردارها همت می‌کند.^۲ حیا برای هر انسانی نیکو است اما در بانوان نیکوتر و زیبنده‌تر می‌باشد از این‌رو خواهران باید به حیا و عفت بسیار اهمیت داده و آن را مهم تلقی نمایند؛ زیرا که این عمل در روایات اسلامی، کلید بسیاری از خوبی‌ها معرفی شد است از جمله، پیش‌گیری از گناه، کرامت نفس، عفت و پاکدامنی، انجام خوبی‌ها، پاک شدن گناهان، تقرب به خداوند و اساس خوشبختی در زندگی را به دنبال دارد.

۲-۲- صبر

یکی از سفارشهای اخلاقی در بعد اخلاقی، صبر است که خدای متعال در این باره می‌فرماید: «أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا؛^۳ اینان را دو بار پاداش نیکو دهند؛ زیرا صبر و ثبات ورزیدند.»

در این آیه‌ی شریفه‌ی وعده‌ای زیبا به آن عده از اهل کتاب می‌دهد که شناخت خود را از قرآن و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) داشتند انکار نکردند و حق را کتمان ننمودند، صبر کردند بدی‌ها را با خوبی‌ها رد و دفع نمودند و به همین جهت باید گفت آنچه به ذهن نزدیکتر است این است که مراد به اجر دو برابر، این است که یک اجر به ایشان می‌دهند که به کتاب آسمانی خود ایمان داشتند، و یک اجر هم داده می‌شود به خاطر اینکه به قرآن ایمان آوردند، و ایمان دوم بعد از

^۱. ابن بابویه، من لایحضر الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۰، ح ۴۶۳۰.

^۲. صدر، دایرة المعارف تشیع، ج ۶، ص ۵۸۳.

^۳. قصص (۲۸)، آیه ۵۴.

یکی از خطرناک‌ترین صفات رذیله‌هایی که ممکن است انسان را به خود مشغول کند، تکبر است. تکبر دارای آفات بسیار و گزنده بی‌شمار است. باید یک شناخت و آگاهی نسبت به این رذیله داشته باشد. اگر این شناخت برای او حاصل شود مطمئناً خود را از نزدیک شدن به آن بر حذر می‌دارد و اگر در وجودش باشد به رفع آن بپردازد. چون طلاب در حوزه از قرآن اخلاق را می‌آموزند لذا تکبر در بین روحانیون کمتر از سایر افراد است و این امر باعث کم بودن تکبر در بین آنهاست.

۳-۲- اعراض از لغو

از ابعاد رشد اخلاقی طلاب در قرآن، اعراض از لغو و رویگردانی از امور لغو است که خدای متعال در این باره می‌فرماید: «وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَّا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ»^۱ و چون سخن لغوی از دشمنان دین بشنوند از آن اعراض کرده و گویند اعمال ما از ما و اعمال شما از شما بروید سلامت باشید که ما هرگز مردم هرزه‌گوی نادان را نمی‌طلبیم»

مراد به لغو، سخن بیهوده است به دلیل کلمه «می‌شنود» چون لغو شنیدنی، از مقوله سخن است، پس مقصود سخنان بیهوده و خشن و زشتی است که پرداختن و اعتنا به آن، کار عاقلان نیست، و لذا وقتی آن را می‌شنیده‌اند، از آن اعراض نموده، و گفتن اعمال ما برای ما و اعمال شما برای شما، و این در حقیقت متارکه و اعلام ترک گفتگو است.^۲

«لغو»، یعنی امر بیهوده که هم در کلام و هم در عمل قابل برو ز است و مؤمنان به اعراض از آن سفارش شده‌اند. از جمله ویژگی‌های بهشت آن است که لغو و بیهودگی در آنجا نیست.^۳ راغب اصفهانی قرآن پژوه بزرگ، لغو را به معنای چیزی دانسته است که به آن اعتنایی نمی‌شود و انجام دادن آن از روی عقل و تفکر نباشد.^۴ استاد حسن مصطفوی بر این باور است که لغو، اعم از آن است

^۱. قصص (۲۸)، آیه ۵۵.

^۲. طباطبایی، همان، ج ۱۶، ص ۸۱

^۳. قرائتی، تفسیر نور، ج ۷، ص ۷۲.

^۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ج ۱، ص ۷۴۲.

که در کلام، عمل یا موضوع خارجی باشد؛ مثل کلام غیر مفید و کار عملی که نفع و سودی بر آن مترتب نباشد.^۱

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْ مَن تَرَكَ مَا لَا يَعْنِيهِ؛^۲ ارزشمندترین انسان‌ها کسی است که کارهای بیهوده را ترک کند.» همچنین امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالدُّخُولَ فِيمَا لَا يَعْنِيكَ فَتَذَلَّ؛^۳ از ورود به کارهای بی‌هدف و بیهوده دوری کنی که ورود در آن کارها موجب ذلت و خواری تو گردد.» امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِمَا لَا يَجِبُ، ضَيَّعَ مِنْ أَمْرِهِ مَا يَجِبُ؛^۴ هرکس خود را به آنچه ضرورت ندارد سرگرم سازد، آنچه را برایش ضرورت دارد ضایع گرداند.»

بنابراین از مطالب مذکور می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که شایسته نیست طلاب و روحانیون سرمایه‌ی عمر را با کارهای بیهوده و بی‌فایده از بین ببرند و باید بکوشند تا از هر لحظه عمر گرانبهایش بهره‌مند شود و سرمایه‌ی زندگانی را به سادگی از دست ندهد باید از آن چه مدت کوتاهی در اختیارش گذاشته شده، بیش‌ترین استفاده را برای آخرت خود زاد و توشه‌ای فراهم آورد. بنابراین آموزه‌های قرآنی در حوزه‌ها عاملی در رشد این بُعد اخلاقی یعنی دوری از لغو و لهب در طلاب و روحانیون است.

^۱. مصطفوی، التحقيق فی کلمات قرآن الکریم، ج ۱۰، ص ۲۰۸.

^۲. پاینده، نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۵۵.

^۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰.

^۴. تیمی، غرر الحکم، ص ۲۲۵.

نتیجه گیری

قرآن دارای درس‌های ارزنده اخلاقی است که از آن جمله می‌توان در ابعاد رشد اخلاقی به چند نکته اخلاقی آن اشاره کرد. یکی از آن‌ها تکبر است که طلبه و روحانی بعد از شناخت و آگاهی به این رذیله اخلاقی از آن دوری کرده و هم در وجودش به رفع آن می‌پردازد و با دوری جستن از کارهای لغو و کارهایی که جنبه بندگی در آن لحاظ نشده، زمینه را برای قرب پروردگار فراهم می‌کنند و اکثر روحانیون کسانی هستند که حیا را در زندگی خود الگو قرار داده و با صبر بر مصیبت به مقامات عالی می‌رسند. از سویی اساس و شالوده و زیر بنای سعادت در زندگی طلاب و روحانیون، بندگی مخلصانه اوست و ایشان کسانی هستند که در مقابل نعمت خداوند شاکرند و به اندازه وسعت و توانایشان در راه خدا انفاق می‌کنند و با استفاده از دعا و روش تمام مشکلات خود را از بین برده و ملاک و معیارهای منطقی را در انتخاب همسر زیر نظر قرار می‌دهند. در نهایت پیشنهاد می‌شود که آموزه‌های اخلاقی در جنبه روان‌شناسی نیز بررسی شود.

فهرست منابع و مآخذ

✽قرآن.

- (۱) ابن شُعبه خَرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه پرویز اتابکی، قم: دارالحديث، ۱۴۰۴.
- (۲) بحرانی، یحیی بن حسین، الشهاب فی الحکم و الآداب، تهران، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۸.
- (۳) تیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم، مهدی، رجائی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۰.
- (۴) _____، غررالحکم، ج ۱، چ ۱، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۳۹۵.
- (۵) پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ناشر: جاویدان، بیجا، ۱۳۲۴.
- (۶) جَبّاران، محمد رضا، علم اخلاق (۲)، ج ۲، چ ۱۳، قم: نشر هاجر، ۱۳۹۲.
- (۷) حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹.
- (۸) حمري الجوينی، مُسند امام رضا (علیه السلام)، محمد برکت، ج ۱، چ ۴، بیروت، ۱۳۹۱.
- (۹) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، ج ۱، چ ۴، تهران، ۱۳۸۸.
- (۱۰) رازی، ابوالفتح، تفسیر روح الجنان و روح اجنان، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی، ۱۴۰۴.
- (۱۱) ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا، شیخی، ج ۳، چ ۷، قم: دارالحديث، ۱۳۸۶.
- (۱۲) زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من الجواهر القاموس، بیروت، دارالمکتبه الحیاء، بی تا.
- (۱۳) شریعتمداری، جعفر، شرح و تفسیر لغات براساس تفسیر نمونه، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۵.
- (۱۴) شیخانی، علی باقر، سریر سخن، چ ۱، تهران، هاجر، ۱۳۸۶.
- (۱۵) صدر، احمد، دایرة المعارف تشیع، ترجمه حاج سید جوادى، بیروت: انتشار حکمت، ۱۳۸۵.
- (۱۶) طبرسی، فضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی تا.

- ۱۷) طباطبایی، محمد حسین، المیزان، جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۷.
- ۱۸) قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم، ج ۱، چ ۱، قم: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۸.
- ۱۹) قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌های قرآن، تهران، ۱۳۸۳.
- ۲۰) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- ۲۱) مجلسی، محمدباقر، جلاء العیون، انتشارات سرور، قم، ۱۳۷۵.
- ۲۲) محدثی، جواد، چهل حدیث، چ ۶، قم: هاجر، ۱۳۹۵.
- ۲۳) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.
- ۲۴) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، قم: علامه، ۱۳۶۸.
- ۲۵) نراقی، مهدی، رساله‌ی حقوق امام سجاد (علیه‌السلام)، چ ۱، قم، ۱۳۸۴.
- ۲۶) نراقی، مهدی، جامع السعادات، ج ۲، چ ۴، بیروت، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰.